

بزرگوار، بیگانه نبود، بیگانه نمی

تفاوتی بین مردم و بیگانه نیست که آنرا با بیگانه و بیگانه را با بیگانه
ببیند، بیگانه را بیگانه نماند تا بیگانه را بیگانه نماند تا بیگانه را بیگانه

بیگانه را بیگانه نماند تا بیگانه را بیگانه نماند تا بیگانه را بیگانه
بیگانه را بیگانه نماند تا بیگانه را بیگانه نماند تا بیگانه را بیگانه

بحث آزاد

سخنی چند درباره

ارکستر سازهای ملی

از جمله فعالیت‌های مؤثری که با اهتمام هنرهای زیبای کشور در زمینه
موسیقی ملی و محلی ایران بعمل آمده، گردآوری ترانه‌های عامیانه و محلی
و تشکیل ارکسترهای مخصوص موسیقی ملی را ذکر باید کرد. برخی از
ترانه‌های عامیانه و محلی برای ارکسترهای نامبرده تنظیم و ترتیب داده
شده ولی از آنجا که ارکسترهای مزبور غالباً از سازهای غربی متشکل است
چه بسا که حالت و رنگ اصلی موسیقی ایرانی در آن میان تحریف گردد یا
از بین برود. از همین رو تشکیل ارکستری که منحصرأ از سازهای موسیقی
ملی متشکل باشد بیش از پیش مورد توجه است و ارکستری نیز با نام «ارکستر
سازهای ملی» تشکیل یافته و بکار پرداخته ولی تصدیق باید کرد که هنوز
فکر یک دسته متجانس سازهای ملی آنچنانکه باید جامعه عمل پوشیده و
انجام دادن این امر مستلزم اقداماتیست که در این مقال بیرخی از آنها اشاره
خواهد شد.

گروه‌های مختلف سازهایی را که جهت ایجاد یک ارکستر ملی مورد
احتیاج است در میان سازهای ملی می‌توان یافت: کمانچه از جمله خانواده
سازهای زهی، نی و سرنا از جمله سازهای بادی، تار در خانواده سازهای

مضربی و انواع طبل و ضرب در خانواده آلات ضربی جای می‌توانند گرفت. وای اشکال عمده در این راه اینست که هنوز اندازه و حجم و همچنین «دیابازون» سازهای مزبور تثبیت نگشته است.

ساختمان سازهای نامبرده بر روی اساس واحد «دیاتونیک» اعتدال- نیافته مسأله‌ایست که باید پیش از همه حل گردد زیرا با اجرای قطعات آهنگهای ایرانی بوسیله سازهای اروپائی (ویولون، فلوت، قره‌نی و غیره...) جز موسیقی کم و بیش ملی - یا باصطلاح ملی - چیز دیگری حاصل نخواهد شد.

اخیراً کتابی دربارهٔ تشکیلات یک ارکستر سازهای ملی که در جمهوری ازبکستان شوروی تربیت یافته است بدست نویسندهٔ این سطور رسید. حاجت بدگر نیست که هر کوششی که در راه ایجاد چنین تشکیلاتی صورت پذیرد قابل تقدیر است و ما نیز مساعی مبتکران این تشکیلات را پدیدهٔ تحسین می‌نگریم. ولی متأسفانه اذعان باید کرد که تشکیل دهندگان ارکستر مزبور از همان آغاز کار راهی خطا در پیش گرفته‌اند زیرا اساس «کروماتیک» اعتدال یافته را - بجای پایهٔ «دیاتونیک» اعتدال نیافته - برگزیده‌اند که نسبت به موسیقی شرقی بیگانه است. از همینرو ارزش و اصالت هر نوع موسیقی شرقی که با چنین ارکستری اجرا شود از حد اصالت و ارزش آهنگهای «باصطلاح شرقی» ساخته آهنگسازان غربی فراتر نخواهد رفت.

یک سبک مختلط و دور که بهر حال پیوسته سبکی بی ارزش خواهد بود. قالبهایی که با طرحهای ایرانی بوسیله ماشینهای کارخانه‌های بافندگی اروپا تهیه می‌شود چه بسا که زیبایی ظاهری قالبهای ایرانی را حفظ نمایند ولی فاقد ارزش حقیقی هستند.

اشتباه دوم، در مورد ارکستر جمهوری ازبکستان، مربوط با انتخاب سازهاییست که آنرا تشکیل می‌دهند.

اینک فهرست اسامی سازهای این ارکستر:

- رباب اول، رباب آلتو، رباب تنور

- دوتار آلتو، دوتار باس، دوتار کنتر باس

- تنبور

- چنگ اول ، چنگ تنور ، چنگ باس

- نی کوچک ، نی معمولی

- خوش نی

- سرنا

- کرنا

- قیچک ، قیچک آلتو ، قیچک باس ، قیچک کترباس.

با توجه به عکس سازهای نامبرده تذکرات زیر بخواننده ایرانی لازم می نماید:

۱- ساز تنبور به سه تار ما شباهت دارد ولی از آن بزرگتر است و بر آن ۴سیم می بندند.

۲- ساز دوتار به سه تار ما شباهت دارد ولی دو سیم روده ای یش ندارد. دوتار باس و دوتار کترباس هر کدام ۴سیم دارند و بیشتر به عود نزدیک می شوند.

۳- در مورد تسمیه قیچک بنظر می رسد که اشتباهی در کار باشد زیرا سازی که بدین نام خوانده می شود در حقیقت همانچه است. سازی که در ایران قیچک نامیده می شود از لحاظ ساختمان با آن کاملاً متفاوت است و از یک جعبه صوتی با خرنک و جعبه بزرگتری متشکل می باشد که صدای ساز را تقویت می نماید.

۴- چنگ اسمیست که به ستور ما داده شده ولی «چنگ» مزبور «کروماتیک» و اعتدال یافته است.

بطوریکه از فهرست مورد بحث برمی آید ارکستر نامبرده بیشتر بر اساس سازهای مضرابی یا زهی که با انگشت به صدا درمی آید ترتیب یافته. سازهای اخیر الذکر سازهای با اصطلاح مجلسی هستند که با محیط های کوچک و محدود سازگارند و بهیچوجه با سازهای آرشه ای یا بادی که حتی در تالارهای بزرگ قدرت و شدت خود را از دست نمی دهند رقابت نمی توانند کرد.

با توجه بدانچه گفته شد پایه ارکستر سازهای ملی ما باید از سازهای آرشه ای و بادی تشکیل یابد. تشکیلات این چنین ارکستری را میتوان کم و بیش بشرح زیر تثبیت نمود:

- ۶- همانچه اول

۴ - « دوم

۴ - قیچک آلتو

۴ - « باس

۴ - « کنترباس

۱ - نی کوچک

۲ - « معمولی

۳ - « آلتو

۳ - « باس

۲ - سرنا

۴ - آلت ضربی

۲ - سنتور

۴ - تار

۲ - « باس

۴ - سه تار

۱ - قانون

اکنون به موضوع ساختمان سازهای ایرانی و متناسب ساختن آن با مقتضیات فنی امروزی، با اصطلاح به «مدرنیزاسیون» آن، بپردازیم؛ ولی «مدرنیزاسیونی» که البته بهیچوجه بطبیعت و رنگ هر کدام از سازها لطمه ای وارد نخواهد ساختیم.

گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

کمازچه: متناسب ساختن این ساز با مقتضیات آرکستر موضوعیت که در کارگاه و بولون سازی هنرهای زیبای کشور مطالعه شده و مرحله عمل درآمده است. حدود وسعت آن ۴ ارگناو و یک سوم در نظر گرفته شده:



اندازه ها و وضع آن نیز اندکی تغییر پذیرفته تا بتوان قطعات حاوی «تکنیک» های مشکلی را به سهولت اجرا نمود. بمنظور تقویت و تصفیه صدای آن نیز دو شکاف تعبیه شده است.



کمانچه جدیدی که در کارگاه هنرهای زیبای کشور ساخته شده است. بر روی این ساز دو شکاف تعبیه شده و اندازه آن با محاسبه‌ای که بعمل آمده طوری تعیین شده است که نوازندگان ویولون ایرانی بتوانند پس از مدت کوتاهی نواختن آن را فرا بگیرند.

قیچک: ساز آرشه‌ای که بدین اسم خوانده می‌شود از لحاظ طریقه ساختمان با کمانچه کاملاً متفاوت است: قیچک از جعبه صوتی که بر آن خرنک سوار است و از جعبه «بلندگو»ی تقویت کننده‌ای متشکل می‌باشد. این ساز با اصلاحاتی که در آن بعمل آمده، بعقیده نویسنده، از لحاظ ارکستر آینده خوبی می‌تواند داشته باشد. هم اکنون در کارگاه ویولون سازی هنرهای زیبای کشور در باره ساختن «کواتور» قیچک (اول، آلتو، باس و کنتر باس) مطالعاتی صورت می‌گیرد.



قیچک که امروزه تقریباً متروک شده است صدا و «سونوریت» ای قویتر از کمانچه دارد. در ساختمان این ساز از ماری کارگاه هنرهای زیبای کشور اصلاحاتی بعمل خواهد آمد تا بصورتی که قابل استفاده در ارکستر باشد درآید.

نی: نی باستانی در حقیقت جد کلیه سازهای بادیست. این سازی یکی از سازهای عامیانه مهم همه ملل دنیاست. در آلمان این ساز، بعنوان یک ساز عامیانه و با اسم «بلو کفلوتن» (Blockflöten) بصورت «کروماتیک» و اعتدال یافته و پاندازه‌های مختلف رواجی بسیار یافته و حتی بشکل «کواتور» هم مرسوم گشته است.

نی ایرانی در ارکستر سازهای ملی ایرانی جا و مقامی برجسته اشغال می‌تواند کرد. برای ساختمان «کواتور» نی (نی کوچک، نی اول، نی آلتو و نی باس) می‌توان از تجربیات و آزمایش‌هایی که در همین زمینه در آلمان بدست آمده بخوبی استفاده نمود، با این اختلاف که نی ایرانی «دیپاتونیک» و اعتدال نیافته خواهد بود.

سرنا: این ساز را نیز می‌توان جد «اوبوا» و «کورآنکله» شمرد. در کشور ما آنرا با اندازه‌ها و با «تونالیت»های مختلف می‌سازند. «دیاپازون» آنرا باید با مقتضیات و خواص ارکستر متناسب ساخت و تثبیت نمود و همچنین با اصلاحاتی، امکانات فنی آنرا افزایش داد و صدای تیز آنرا نیز بهتر کرد. در این مورد نیز از تجربیات سازندگان اروپایی «اوبوا» و «کورآنکله» استفاده می‌توان نمود.

پیدا است که تشکیل ارکستر سازهای ملی مستلزم کار و فعالیت زیادی بینظور اصلاح و ساختن سازهای نامبرده است که باید بر روی پایه «دیاپازون» واحدی استوار گردند و قدرت و امکانات آنها نیز اصلاح و تقویت شود. سازهای ملی ما که از لحاظ تمبر و رنگ و حالت غنی و پرمایه‌اند متأسفانه بعلت نواقصی که ذکر کردیم هنوز نتوانسته‌اند، آنچنانکه باید، ارکستری تسکیل دهند. با اینحال انجام این کار آنقدر که در بدو امر به نظر می‌رسد مشکل و طولانی نخواهد بود بشرطی که گذشته و تجربیات سازهائی را که امروزه اعضای ارکستر سنفونیک هستند در نظر آوریم و از آن استفاده نماییم: راست است که اساس کار ما با ارکستر سنفونیک متفاوتست ولی راهی که باید در پیش گرفت طرح ریزی و پی‌گذاری شده است. فی‌المثل ما از مراحل تحولی که سازهائی چون «سمبال»، «کلاوسن» و «اوبوا» پیموده‌اند برای تکمیل و اصلاح سازهائی چون سنتور، سرنا و نی سرمشق و بهره می‌توانیم گرفت.

حاجت بذکر و تأکید نیست که تشکیل یک ارکستر از سازهای ملی افقهای جدیدی در برابر آهنگسازان ما خواهد گشود و موجب بسط و پیشرفت موسیقی ملی خواهد گردید. *تال جامع علوم انسانی*

س. آراکلیان

مدیر کارخانه و یولو سازی هنرهای زیبای کنور